

## بررسی تطبیقی نقش اژدها در تاتو ایران و چین

گلناز عابدینی<sup>۱</sup>، احمد حیدری<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر دانشگاه آزاد اسلامی واحد طیس، golnaz\_a33@yahoo.com

<sup>۲</sup> عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند، ahmadheydari15@gmail.com

### چکیده

دو تمدن ایران و چین از دیر باز با هم در ارتباط بوده و دارای اشتراکات فرهنگی و هنری زیادی می‌باشند. یکی از نقوش مشترک در این دو فرهنگ اژدها می‌باشد. پژوهش حاضر با بررسی نقش اژدها در اساطیر و هنر تاتو این دو تمدن، نقاط مشترک و افتراق آن را روشن می‌نماید. اژدها در چین چهره مثبت دارد و همان امپراطور است و نقش حامی و راهنما و نگهبان خیر و برکت و خوشبختی و کامیابی را دارد، اما در ایران غالباً چهره منفی داشته و منبع اهریمن، شرارت، و بد ذاتی می‌باشد و قهرمان با وجود نابود کردن اژدهای اهریمنی و پیروز شدن در جنگ بر علیه او نقشش پررنگ می‌شود، توتم اژدها هم در دو فرهنگ موضوع تاتو است و تصویر آن بر بدن نقش می‌گردد. این جستار سعی دارد با بهره‌گیری از روش توصیفی-تطبیقی و گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای، نقش اسطوره اژدها و تاتو این جانور را در تمدن چین و فرهنگ ایران بررسی نموده و به طبقه‌بندی ساختار ظاهری اژدها بپردازد و مقایسه آن با همتای چینی آن و دیدگاه روانشناسی نسبت به این جانور را به طور اجمال نشان دهد. و اهمیت این نقش در هنر تاتو است که باعث می‌شود در مورد آن شناختی عمیق و پایدار پیدا کنیم.

**واژگان کلیدی:** اژدها، چین، ایران، اسطوره، تاتو

### مقدمه

اسطوره‌ها جلوه‌هایی از فرهنگ یک ملت و به تعبیری، خاستگاه هنر و ادبیات هستند؛ در واقع اسطوره‌ها آنجا که تاریخ و باستانشناسی خاموش می‌مانند به سخن در می‌آیند و فرهنگ آدمیان را از دور دست‌ها به زمان ما می‌آورند (هنیلز، ۱۳۸۹، ۹). تاریخ اسطوره‌شناسی سراسر عبارت بوده است از فرود آوردن تدریجی خدایان از عرش آسمان به فرش زمین و جستجوی توهمات اساطیری در قلب انسان و نه در ارتباط با اجرام آسمانی (معصومی ۱۳۸۷، ۱۳). اسطوره‌ها مطالبی دروغین نیستند، اگر به اندیشه اصلی که در آنها وجود دارد، توجه کنیم، در واقع، تعبیر و تفسیری از مسائل زندگی انسانی هستند. هر چند که شاید در بنیاد، واقعیتی در ساخت اساطیر دخیل بوده است. در این مقاله نگاه این دو تمدن به یک موضوع را در می‌یابیم و ارتباط نقش اسطوره‌های اژدها در هر تمدن با نقش تاتو آن بر ما آشکار می‌گردد و تصویری از احساس مشترک ایران و چین نقش می‌بندد. نقوش اساطیری گاهی موضوع تاتوهایی بوده است که در گذشته هنگام برگزاری آیین‌های ویژه نقش زده می‌شده است. خالکوبی به زبان انگلیسی تاتو<sup>۱</sup> نامیده می‌شود که به معنای علامت گذاری یا سوراخ کردن پوست است و آن را از زبان تاهیتی گرفته‌اند (بهزادی، ۱۳۶۸، ۱۸۰). در لغت نامه دهخدا در برابر واژه خالکوبی این تعریف آورده شده است: «تاتو عملی است که بدان بشره آدم را نگارین کنند به صور گلها و یا حیوان و آن را به وسیله آجیدن بشره یا سوزن و نیل پاشیدن به جای آمده باشد». افزون بر اصطلاح خالکوبی از واژگان خال کوفتن، کبودی زدن، تاتو، وشم، و توشیم نیز در فرهنگها یاد شده است. یکی از کاربردهای تاتو، بازنمایی باورها و اعتقادات فردی و اجتماعی است و اژدها یکی از نقوش به کاربرده شده در تاریخچه تاتو بوده است.

1 - Tattoo

کلمه اژدها در اوستا تحت عنوان «اژی دهاک» آمده است. اژی به معنی مار می باشد و «دهاک» یک مخلوق اهریمنی دیو سیرت است چنانکه در «یسناسنا ۱۱ فقره ۶» غالباً اژی با کلمه دهاک یک جا آمده است (پورداد، ۱۳۷۷، ۱۸۹-۱۸۸). در ارت یشت می خوانید این کامیابی را به من ده ای ارت نیک بزرگوار که من به اژی دهاک سه پوزه، سه کله، شش چشم، هزار مکر به این دروغ بسیار قوی دیو آسا و خبیث فریفتار جهان، این دروغ بسیار زورمند که اهریمن بر ضد جهان مادی بیافرید، ظفر بایم، (ارت یشت - کرده ۵) (همان، ۱۹۴).

فرهنگ جهانگیری برای ویژگی های صوری و مفهومی اژدها چهار فرض دارد: اول: ماری باشد بس بزرگ و عظیم الجثه؛ دوم: شجاع و دلاور خشمگین بود؛ سوم: پادشاهان ظالم عموماً به معنی ضحاک؛ چهارم: علم اژدها پیکر را نامند (رستگار فسایی، ۱۳۷۹، ۶).

اژدها در چین «لونگ» نام دارد و دارای دودمانی باستانی بوده و به همین جهت از او در جزیره ها، جنگلها، کوهها و غارها و مرغزاران نشان می یابیم. گروهی عقیده دارند اژدها مار سیاهی است که در صحرا و کوهها بوجود می آید و سیل آن را به طرف دریا می راند و از حیوانات دریا تغذیه می کند و پیکرش بزرگ و عمرش دراز می شود (مسعودی، ۱۳۹۰، ۱۲۱).

اژدها کنایه از مردم شجاع و قهر آلود هم هست. خون اژدها سیاه و زرد است، و اشاره دارد به رنگ اولیه آسمان و زمین (شوالیه و گبران، ۱۳۷۷، ج ۱، ۱۲۶). «مسعودی»، در «مروج الذهب»، چنین بیان می دارد: «بعضی برآند که اژدها بادی سیاه است که در قعر دریاست و چون به هوا می رسد، مانند طوفان به طرف ابرها می رود و چون از زمین بالا رود و بگردد و غبار بپراکند و در هوا طوفانی شود و اوج گیرد مردم چنان پندارند که مارهای سیاه است که از دریا برآمده است که برق و صدایی دارد و دم آن به هر بنای بزرگ یا درخت یا کوهی رسد، آن را در هم کوبد، گاه باشد که تنفس کند و درخت را بسوزاند.» (مسعودی، ۱۳۹۰، ۱۲۰). بعضی محققان معاصر پدیده اژدها را چیزی جز آتشفشان های قدیم نمی دانند که حرارت و گدازه های آن به هر جا می رود و گیاهان را می سوزاند و گدازه های سیاه رنگ آن به موی اژدها تشبیه شده و تا سالها پنهان شدن اژدها دلیل بر خاموشی موقتی آن است و ترس انسان اولیه از قوای مخرب طبیعت مانند طوفان و سیل، تندر و آذرخش، آتشفشان و زلزله و جلوگیری از خشم آنها با دادن فدیة و قربانی است. مرگ اژدها همیشه عجیب است و برای آن حماسه می ساختند که مصادف با خاموش شدن آتشفشان بوده است. و دلیل اهریمنی بودن آن همان از بین بردن و نابودگری آن است. وقتی به تعداد سرهای اژدها اشاره می شود همان تنوره های مختلف آتشفشان است که گاهی سه، هفت و یک می باشد. و به لفظ زنده بودن و محرک بودن آن اشاره شده و تعدد آتشفشان دماوند، سهند، سبلان، شرح همین داستان است (رستگار فسایی، ۱۳۷۹، ۱۲۰). الماس نیز که از سنگهای قیمتی آتشفشانی است شاید از دلایل نگهبان بودن اژدها بر جواهرات است.

برخی اژدها را از جنبه روانی بررسی می کنند و آن را جلوه ای از آرزوهای برآورده نشده و دست نیافتنی می دانند (ارشاد، ۱۳۸۲، ۳۷۱). در مکتب روانکاو یونگ نیز اژدها نماد گرایش های منفی روان انسان است (یونگ، ۱۳۷۷، ۱۷۵ - ۱۷۶). عده ای نیز آن را انعکاس خطرات طبیعت قلمداد می کنند و آن را مظهر آب ها و سیلاب های ویرانگر یا زندانی کننده آب ها می دانند و مار را نماد رودخانه ویرانگر می شمارند (بهار، ۱۳۸۴، ۳۰۹).

با توجه به دیرینگی نقش اسطوره ای اژدها به عنوان طرحی برای تاتو، انگاشته می شود که این جاندار اساطیری گونه ای باور توتمی را نشان می دهد؛ در گذشته نقش آن به شکل خود آگاه برای کاربرد توتمی استفاده می شده و در جهان امروز به گونه ای ناخودآگاه و شاید از سر دلایل زیبا شناختی بر بدن ها نقش می شود. در راستای این موضوع علیرضا طاهری (۱۳۸۸) در مقاله ای با عنوان «سیر تحول و طبقه بندی اژدها در نگارگری ایرانی» به بررسی نقش اژدها در دوران مختلف و تحول آن در هنر نگارگری پرداخته است و منصور رستگار فسایی (۱۳۷۹) در کتاب «اژدها در اساطیر ایران» به نقش اژدها در اسطوره های ایرانی پرداخته است اما پاسخ به این پرسش ها که ریخت شناسی بدن اژدها در فرهنگ ایران و چین بر مبنای چیست؟ با گذشت زمان چه تغییری بر کارکرد نقوش تاتو اژدها ایجاد شده؟ دیدگاه عامیانه به اژدها در فرهنگ ایران و چین چگونه است؟ و جایگاه اژدها در علم روانشناسی چیست؟ جای تحقیق مستقل در این زمینه در زبان فارسی خالی به نظر می رسد که این جستار درصدد پر کردن بخش کوچکی از این خلا است.

## ریخت شناسی اژدها در ایران

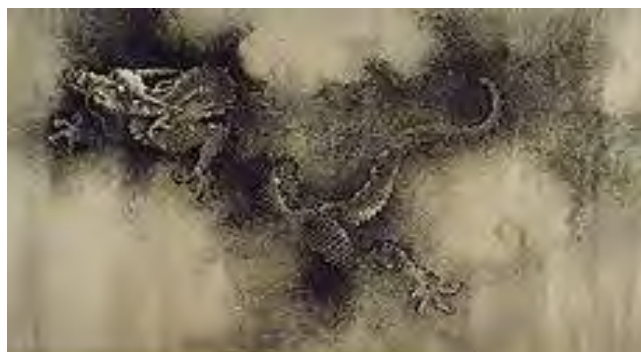
فرم و صورت اژدها بارها در طول تاریخ هنر ایران، در قالب های گوناگون و با مضامین رمز گونه ظاهر شده است و نقش آن در هنر ایران از سابقه طولانی برخوردار می‌باشد. تصاویر متفاوتی از این موجود افسانه‌ای از شکل ساده مار مانند، تا گونه های پیچیده و ترکیب شده از حیوانات مختلف وجود دارد. اژدها جانور شگفت پیکری است که هم خزنده و هم پرنده است، و فاقد پلک است، دارای دو بال، و از دهان او شعله‌های آتشین بیرون می‌جهد. پنجه هایی مانند شیر، شاخی شبیه به شاخ گوزن، چشمانی مانند چشم میگو و پوستی نظیر پوست ماهی، سری چون سر شتر شکل و هیأتی وحشت انگیز و آرواره ای چون خفاش، دندان کروکودیل و شاخ حیوانات ستیزنده را دارد. اژدها می‌تواند نر یا ماده، خیر یا شر باشد. در ایران باستان «شیرکتی» تنها اژدهایی است که نامی دارد و هستبهر نام دیگر اژدها بر طبق نجوم پهلوی است (رستگار فسایی، ۱۳۷۹، ۳۴). ایرانیان برای لفظ اژدها صفت هفت سر را نیز به کار می‌برند اژدهایان شکل و هیأتی پیچیده دارند تا به این وسیله بتوانند ژرفای پلیدی و ناهنجاری را منعکس سازند (همان، ۱۵).



تصویر ۱- یک نوع اژدهای ایرانی (رستگار فسایی، ۱۳۷۹، ۶۱)

## ریخت شناسی اژدها در چین

ویژگی ها و ظاهر اژدها در متون باستانی چین توصیف می‌شود، ترکیبی است از مار، ماهی، تمساح، خوک، اسب و گاو، گردنی مانند مار، شاخی چون شاخ گوزن دارد، فلس هایی مانند فلس ماهی، دهان آن مانند دهان گاو است و دماغی همچون سگ دارد اژدها در چین بال ندارد، اما می‌تواند پرواز کند و همراه با باد و مه و ابر و رعد و برق ظاهر می‌شود و با خود باران به ارمغان می‌آورد. اژدهای چینی چندین شاخ دارد و موجودی مسالمت جوست. پیگ بنگ، نام اژدهایست که بسیار هوشیار است، سری مانند ماده شیر و دستها و پاهایی چون کرگدن دارد و حامی ایزدان است. اژدهای چین دارای پنجه پرندهگان شکاری به ویژه عقاب می‌باشد (طاهری، ۱۳۸۸، ۱۵).



تصویر ۲- نه اژدها، بخشی از یک اثر هنری مربوط به سال ۱۲۴۴ میلادی، اثری از «چن رونگ»، سلسله سونگ، موزه هنرهای

زیبای بوستون مآخذ سایت: [www.pinterest.com](http://www.pinterest.com)

اژدهای نیلی رنگ، «لانگ»<sup>۱</sup> پنج چنگال دارد بارور کننده است. «مانگ»<sup>۲</sup>، چهار چنگال دارد و به معنای نیروی جهان مادی است. «لی»<sup>۳</sup>، بر اعماق نظارت می‌کند و سه چنگاله است. «چیا تو»<sup>۴</sup>، در کوهستان زندگی می‌کند و مظهر سیاستمدار است. (همایون، ۱۳۸۸) «یینگ لانگ»، اژدهای بالدار، که در ارتباط با باران و سیل است، «جیا او لانگ»، اژدهای فلس دار بی شاخ و رهبر حیوانات است (رستگار فسایی، ۱۳۷۹، ۲۲). شکل اژدها در باورهای چینی از ابر گرفته شده است، چون ابرهای باران زا برکت دارند (رستگار فسایی ۱۳۷۹، ۲۱).

### نماد شناسی اژدها در ایران

در ایران اژدها نمودگار و نماد شیطان شریر و مرگ آور بوده است (کویاجی، ۱۳۷۸، ۲۵۴). اژدها کنایه از مردم شجاع و قهر آلود هم هست و پادشاه ظالم و ضحاک را هم گفته‌اند. گاهی اژدها نماد جهل و خشم است نمونه بارز آن ماران دوش ضحاک که از مغز جوانان تغذیه می‌کنند و در واقع آنها از بین برنده خردمندی، روشنایی و آگاهی در جهت رشد و بالندگی هستند (حسینی، ۱۳۸۵، ۴).

### نماد شناسی اژدها در چین

اژدها در چین نماد امپراطوری، انرژی مردانه و باروری است (برو سمیت فورد، ۱۳۸۸، ۳۴) و نماد ابرها، زمین، هوش، قدرت، سروری و آب و برکت، قدرت و خوشبختی و شجاعت، قهرمانی و اصالت و الوهیت است (شووالیه، ۱۳۸۷، ج ۱، ۱۲۵).

### تاتو در ایران

در ایران مواد تاتو عبارت بود از مقداری دوده چراغ که با آب تره مخلوط می‌کردند، با این مخلول سیاه بر پوست نقش هایی می‌کشیدند و بلافاصله با سوزن بر پوست می‌کوفتند و می‌شکافتند تا مخلول رنگین به زیر پوست کشیده شود (فانی و سادات، ۱۳۹۲، ۴۵۲). تاتو در ایران برای زنان ایرانی نوعی طلسم به شمار می‌رفته است. یکی از انواع قدیم آرایش های هفت گانه زنان - که هر کس آن آرایش را به کمال رسانده باشد به «هر هفت کرده» تعبیر می‌کنند- نوعی خال بوده که زنها بر گوشه چشم یا لب می‌گذاشتند و شیوه کاربردی تاتو تا اواسط قرن بیستم در بین بسیاری از ایرانیان رواج داشته و از آن جهت بهبود بیماری یا دور نگه داشتن از چشم زخم استفاده می‌شده است. سابقه به کارگیری تاتو را می‌توان در تاریخ باستان ایران جستجو کرد.



تصویر ۳- مأخذ سایت [www.pinterest.com](http://www.pinterest.com)

نمونه های که از پیکره های قدیمی با علائم تاتو که از باباجان لرستان پیداه شده بیانگر اهمیت این هنر است. برخی به کارگیری تاتو مربوط به دوره هخامنشیان را گواه می‌دهند. در سفرنامه بختیاری آمده است که مادر اسکندر چانه خود را جهت

1- Lang  
2- Mang  
3- Li  
4- Chiao

درمان باد تاتو کرده است. در ایران در دوره ناصرالدین شاه تاتو بین زنان بسیار رواج داشت (سبزی، ۱۳۸۹، ۵۵-۵۷). تاتو در ایران به ادوار بسیار قدیم تاریخی باز می‌گردد. تندیس‌هایی در پازیریک و لرستان از دوره ی هخامنشیان یافت شده است که نشان تاتو بر بدنشان بوده است (خسروی، ۱۳۹۴، ۴۴). بعضی نقوش روی سفال‌های شوش که قدمت پنج هزار ساله دارند یا بعضی نقاشی دیواری غارهای دوشه و میرملاس لرستان که قدمت بیست هزار ساله دارند عیناً روی بعضی تاتو‌ها تکرار شده‌اند و نوعی ارتباط بین قدما و نقوش برجای مانده وجود دارد. به عقیده «رمن گیرسمی» باستان‌شناس فرانسوی «مردم «سیلک» کاشان در دوره ی پیش از تاریخ، تاتو می‌کردند»، ایرانیان و تورانیان از قدیم معتقد بودند که دیوها و اژدهایان حتی فرشتگان دارای رنگ بدن و علائم و نشانه‌هایی هستند که هیچ وقت از بین نمی‌رود و پاک نمی‌شود. شاید یکی علل رواج تاتو در دوره ی قاجار، همین نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای باشد (فاتحی قهفرخی، ۱۳۸۷، ۵۷).

در آیین مهر، در ایران باستان با تاتو روبرو می‌شویم که یکی از مراحل مهری شدن است. مهر پرستی یا میترالیسم، آیین راز آمیزی بود که بر پایه پرستش میترا، ایزد ایران باستان و خدای خورشید و پیمان، جنگ در دوران پیش از آیین زرتشت بنیان نهاده شده است و درست پیمانی از مهمترین مشخصه‌های این آیین است. اهمیت به زنان در این آیین پیش از هر آیین دیگری است، برای مهری شدن فرد باید هفت مرحله را طی کند، به عبارتی که نوچه که می‌خواست به آیین مهریان درآید ابتدا باید سوگند می‌خورد که اسرار را بر هیچ کس فاش نکند، بعد او را تاتو می‌کردند، دست، صورت و پیشانی تا به عنوان برادر و یار دیگر مهریان شناخته می‌شد (دلوری، ۱۳۹۰). توجه به تاتو دلایل مختلفی دارد از جمله: سحر و جادو، داشتن پیوندهای تباری، زیبا جلوه دادن و دیگران را به تماشای خود خواندن، درمان بیماری، رسم قبیله‌ای، توت‌پرستی، ترسناک به نظر آمدن حتی توجه به جنبه مذهبی که ایجاد آن طی مراسمی با قربانی کردن و دعا خواندن همراه بوده است و طرح‌ها از میان جانوران مقدس یا اشیایی انتخاب می‌شده که مظهر خدایان بوده و تحت حمایت مخصوص خدایان قرار می‌گرفته و «نوعی هنر ظریف کاری بود که استادان ماهر و چابک دست آن را طوری انجام می‌دادند که درد کمتری داشت و خیلی سریع بهبود می‌یافت. (دانشنامه فرهنگ مردم ایران، ۱۳۹۳، ج ۳، ۶۶۴) و دلیل نقش زدن اژدها بر بدن و تاتو کردن آن می‌تواند همین کهن‌الگوها باشد که با گذشت زمان نمرده‌اند و به صورت تاتو چهره خود را نمایان می‌کنند.

### تاتو در چین

چینیان پنج سوزن مرکب زده شده را بر بدن فرو می‌کنند تا خون جاری شود، سپس مقداری ماده‌ی سیاه را روی آن می‌مالند که هیچ‌گاه از بین نمی‌رود (شوالیه و گربران، ۱۳۸۲، ج ۳، ۶۱). چینی‌ها نقش اژدها را بر ستون فقرات تاتو می‌کنند و معتقدند که نیرو و قدرت حیوان به آن شخص منتقل می‌شود، و این شیوه در مبارزات تن به تن چون کاراته و تکواندو و کنگ‌فو در افرادی که در این رشته‌ها کار می‌کنند بیشتر دیده می‌شود. (محمودزاده، ۱۳۸۵).



تصویر ۴- مأخذ سایت [guiaavare.com](http://guiaavare.com)

در چین باستان تاتو دارای اهمیتی خاصی بود، نمادگرایی آن با مفهوم اولیه‌ی حروف ون نشان داده شده، که نشانه حکمت سیاسانه‌ی کنفوسیوسی است. بعضی نقاشی‌های چینی، مردمی تاتو شده را نشان می‌دهد که به معنی توسل دایم، همداتی با قدرتهای آسمانی، و در عین حال شیوه‌ای اساسی برای ارتباط با آنهاست.







تصویر ۵- مآخذ سایت [www.pinterest.com](http://www.pinterest.com)

تاتو به خصوص در چین، به انسان اجازه می‌داد که خود را با بعضی حیوانات همذات پنداری کنند، این امر به وضوح به دلیل در تملک داشتن فضیلت یا خاصه‌یی است که آن حیوان نشانه‌ی آن است و در عین حال هم علامت قبیله است و هم مظهر قدرت آسمانی ( شوالیه و گریبان، ۱۳۸۲، ج ۳، ۶۱).



تصویر ۶- مآخذ سایت [www.pinterest.com](http://www.pinterest.com)

اعضای قبیله «وو» در جنوب «یانگ تسه» خودشان را به چندین رنگ تاتو می کردند تا به هنگام ماهی گیری، ماهی های خطرناک را بترسانند. اهالی «پائوسان» نوارها و خطوط سیاه بر بازوها و پاهای خودشان تاتو می کنند. «مارکوپولو» در مورد مردم «ویتنام» می نویسد: «اغلب آنها علائمی را با سوزن بر بدن خود نقاشی می کنند، که شامل، شیر، اژدها، عقاب، دُرنا و غیره است. این تصاویر به صورت سنتی بر پوست نقاشی شده اند که هرگز پاک نمی شوند، صورت، گردن، سینه، بازوها و سر حتی شکم و گاهی سراسر بدن پر از علائمی است که دارای رنگ تیره هستند و این تاتو نشانه عظمت و شکوه است» (فاتحی قهفرخی، ۱۳۸۷، ۵۰). تاتو در چین به نمادهای همذات پنداری تعلق دارد و از تمامی نیروهای بالقوه کائنات و معنویت سرشار است.

	<p>چینیان پنج سوزن مرکب زده شده را بر بدن فرو می کنند تا خون جاری شود، سپس مقداری ماده‌ی سیاه را روی آن می‌مالند که هیچ گاه از بین نمی رود.</p>	<p>چین</p>	
	<p>مقداری دوده چراغ که با آب تره مخلوط می کردند، با این محلول سیاه بر پوست نقش هایی می کشیدند و بلافاصله با سوزن بر پوست می کوفتند</p>	<p>ایران</p>	

## داد و ستد فرهنگی بین ایران و چین

دو کشور چین و ایران از دیر باز با هم ارتباط داشته‌اند که افزون بر داد و ستد اقتصادی، پیوند فرهنگی نیز میان این دو تمدن وجود داشته است، آغاز ارتباط مستمر این دو فرهنگ را به دوره ساسانی مرتبط می‌دانند. ایرانیان، چین را دیار دانایان می‌دانستند و دانایان چین را می‌ستودند. وجود افسانه‌های مشترک بین ایران و چین و جابجایی داستان‌ها و رویدادها و انطباق یافتن شخصیت‌های پهلوان از طریق سینه به سینه نقالان و سخنوران امری طبیعی به نظر می‌رسد. از ادوار گذشته شاه راه ابریشم به چین می‌پیوست. داستانهای اژدهایان و دیوان شاهنامه، ملهم از افسانه‌های چینی هستند.



تصویر ۷- کیمونو با طرح اژدها، طلا دوزی بر روی ابریشم سال ۱۹۳۰ مآخذ سایت [www.pinterest.com](http://www.pinterest.com)

نگاره و نقش برجسته‌های اژدها در دوره مغول با مفهوم چینی و بودایی بیشترین تاثیر را در نقوش ایرانی داشته است. و علاوه بر نمونه‌های نقش اژدهای چین، هنرمندان چینی را نیز در کنار خود داشته‌اند. نقوش در سر در مدرسه یا کاروانسرا، آب انبار، اماکن مقدسه، درکوب‌ها و در نقش‌های فرش و منسوجات، ظروف چینی، نگارگری و هنرهای چوبی، تاتو و مجسمه (میدان شهر زابل و میدان حر و فردوسی تهران) نمایان است.



تصویر ۸- نقش اژدها برداشته شده از روی شالی یک سرستون (ناومان، ۱۳۸۲، ۱۰۰)

## اژدها در ایران دوره باستان

اژدها در دنیای ایران باستان دو نوع نیروی شر متداول بوده. آنهایی که مستقیم به پیکر انسان حمله می‌کردند و آنهایی که دنبال فرصت بودند تا به انسان و دام‌هایش ضرر برسانند. در دین‌های باستانی بر این اعتقاد بودند که کشتن اژدها به دست پهلوانان، آزاد ساختن ابرهای آسمان و آبهای زمینی را در پی داشته است. (گرن ۱۳۷۷، ۷۰)

اژدها در ایران باستان، نماد قهرمان بوده است، «Deiokes» دیاکو نخستین پادشاه ماد، کسی بود که توانست قبایل ماد را به صورت یک ملت متحد سازد و بر آنان فرمان براند. (کویاجی ۱۳۷۸، ۲۵۰). دهاک در ابتدای زندگانی خود زیبا و جذاب و دارای شخصیتی محبوب بوده اما در اثر کردهای زشت و بزهکاری خویش مورد نفرین آتنا قرار گرفت. در روزگار او از بدیها و جنگ خبری نبود. وی از پشتیبانی و محبوبیت ملی کم نظیری برخوردار بوده و در دینکرد گفته شده مردم شمال ایران به فریدون چنین می‌گویند: «چرا اژی‌دهاک را شکست دادی او فرمانروای نیکی بود و خطر را از مردم دور می‌داشت» (همان، ۲۴۹). در جای دیگری از دینکرد می‌خوانیم که قبایل و اقوام شکارگر و وحشی شمالی علاقه زیادی به دهاک داشتند و او را فرمانروای نیک دیوها و آدمیان می‌نامیدند (همان، ۲۵۳). در اوستا به اژدها کشی پهلوانان ایرانی به عنوان فریضه‌ای اجتماعی و

اقدامی ایزدی، اشاره‌های فراوان رفته. در فرهنگ ایرانی اژدها نیروی اهریمنی محسوب می‌شود، پهلوانان خداپرست آن را مانعی در برابر حصول به اندیشه‌های ایزدی دانسته‌اند و همیشه برای پیروزی بر اژدها از یزدان پاک مدد می‌طلبیدند (همان، ۱۳۱). بر اساس ادبیات اوستایی، هنگامی که اورمزد نخستین سرزمین نیک خویش را می‌آفریند، آنگاه اهریمن همه تن مرگ برای تباهی آن، اژدهایی را در رود دائیتی پدید می‌آورد و از سوی دیگر نیز ایزد هم با رزم افزارهای خود به نبرد با اژدهای زرد بر می‌خیزد تا او را نابود سازد.

در اوستا درباره فریدون که لقب اژدها داشته چنین آمده است. واژه «فریدون»<sup>۱</sup> در متون پهلوی تبدیل به «فریتون» و سپس در فارسی «فریدون» شده است. فریدون در افسانه‌ها و اسطوره‌ها با چهره ای بغانه ظاهر می‌شود و از او به عنوان نخستین اژدها کش یاد شده است، که با اژدهای سه سر به نبرد می‌پردازد و خواهران جمشید سنگهوک و ارنوک را رهایی می‌دهد. (حسینی، ۱۳۸۵، ۶). گرشاسب یکی دیگر از پهلوانان و قهرمانان است که از او به عنوان پهلوان اژدها کش یاد شده است و در متون اوستایی و پهلوی او را کشنده اژدهای شاخدار معرفی کرده اند (همان، ۸). در ادبیات کهن آمده که اردشیر با «هفتواد» که نوعی اژدهاست می‌جنگد (رستگار فسایی، ۱۳۸۳، ۱۳) بر اساس ادبیات ودایی و اوستایی، دو اژدهای ورتره و اپه اوشه (پوش)، آنها را در دژ جادویی خود اسیر، ابران آسمانی را سترون و زمین را خشک و کویر می‌سازند؛ ولی سرانجام به دست ایزدان ایندره و تیشتر تباہ می‌گردند. («اساطیر و افسانه»، ۱۳۸۹). در متون پیش از اسلام از پلیدی‌های اژدها فراوان سخن رفته است (ائوگمانچا ۱۳۴۲، ۱۹).

### اژدها در چین دوره باستان

در چین اژدها قدرت معنوی و روحانی و نشان باستانی اسطوره‌های شرقی و جزئی از موضوعات هنر می‌باشد. روش‌های پرستش اژدها در میان مردم چین باستان متفاوت است و اژدها برترین موجود و حامی و رب النوع آب است، آب عنصری نمادین و مهم‌ترین مظهر آفرینش و حیات و رمز کل چیزهایی است که وجود دارد و سرچشمه و منشا و زهدان همه امکانات هستی و رمز جوهر آغازین است (گرگیچ و قائمی، ۱۳۹۲، ۵۰-۲۹).



تصویر ۹- مأخذ سایت baklol.com

در چین اژدها نماد برکت، قدرت و خوشبختی است، طوری که فقط امپراتوران حق استفاده از طرح اژدها را داشتند. در لحظه مرگ نخستین نیای ملت چین، هوانگ‌دی، اژدهایی زردرنگ از آسمان فرود آمد و به او گفت بر پشت من سوار شو تا با هم به آسمان برویم و مردم چین چون هوانگ دی را جد خود می‌دانند، خود را از نسل اژدها می‌شمرند. یو، بنیانگذار سلسله شیا، به شکل یک اژدهای بالدار نشان داده شده است. دو خدا به نام‌های فوشییا فوسی و نوگوا، خدایان مقدس مؤسس جهان چینی بوده‌اند و دم‌های اژدهایی آنان به هم پیوسته بود (فیتس جرال ۱۳۸۴، ۲۶۶). و خدای باد که فنگ بو نام دارد، به هیأت پرنده و سر گاو و دم مارسانان نمایان می‌شود (کریستی ۱۳۷۳، ۱۰۱).

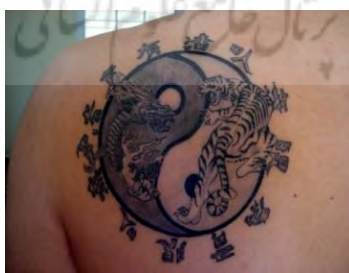


## روایت اژدها در اساطیر ایرانی

اژدها، شاید بیشتر یک پدیده باشد تا یک جانور اساطیری، او خود به تنهایی پدیده‌ای است که در ذهن بشر دیروز و امروز لانه کرده است (رستگار فسایی، ۱۳۷۹، ۱۳۵). در اسطوره‌های ایرانی پیروزی قهرمان منوط به کشتن اژدها است، یکی از مشخصات اساطیر آریایی آن است که پهلوان در یکی از ماجراهای خود با اژدها روبرو می‌شود و به پیکار می‌پردازد و جزئی از حماسه‌های پهلوانی است. خود رستم به عنوان «اژدهای نامیرا» توصیف می‌شود که همیشه در جنگ‌ها پیروز می‌شود (خزایی و فریود، ۱۳۸۲، ۱۴). اژدها در شاهنامه‌ی فردوسی موجودی دو بعدی است؛ از یک سو مظهر پلیدی‌ها، و از سوی دیگر نماد قدرتمندی و جسارت می‌باشد جانوری است تنومند، بزرگ و بسیار قوی. در شاهنامه بسیار خطرناک و آسیب رسان معرفی شده به طوری که به تنهایی می‌تواند مایه‌گزند عده زیادی از مردمان شود و با کشتن اژدها ناپاکی از جهان رخت خواهد بست. در جای دیگر درفش رستم و پسر او فرامرز آراسته به نقش اژدها بوده، رستم به معنای «رودخانه‌ای که به خارج جاری می‌باشد» گندرو اژدهایی است که گرشاسب پهلوان ایرانی او را جنب دریای فراخکرت می‌کشد گندروها گاه با شماییلی زیبا در زمین ظاهر می‌شوند و زنان را شیفته و مسحور خود می‌کنند و سمبل عشق هستند (ذکرگو، ۱۳۷۷، ۱۶۹). چهره اژدها در همه اساطیر پلید نیست از چهره مثبت اژدها فسایی نقل می‌کند که هفتاد مرد اسرائیلی و دو قطبی، موسی (ع) را خفته یافتند و آمدند تا عصا را بردارند و عصا اژدها شد و آنها فرا کردند (رستگار فسایی، ۱۳۷۹، ۲۶۹). در ایران اژدها گاهی در چهره موجودی دوزخی ظاهر می‌شود و زمانی با سیمای عصای موسی، حالت نیروی الهی را می‌یابد. در ایران بر این باورند که اژدها همان سرما است (فخاریان، ۱۳۸۲، ۱۲۰).

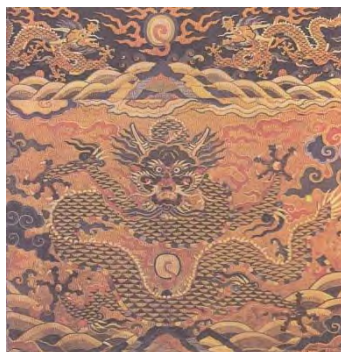
## روایت اژدها در اساطیر چین

در اسطوره‌ی چینی آمده است که «پان کو» پس از زاده شدن از خاموشی و بیهودگی جهان ملول شد و تندیس مرد و زن را از گل، پیمانه زد تا اداره‌کننده زمین باشند، وقتی این تندیس خشک شد، «پان کو» عنصر «یانگ» و «یین» را در آنان دمید و نخستین زن و مرد جهان هستی یافتند. (معصومی، ۱۳۸۷، ۱۶۰-۱۵۹). بین معادل زن، سرما، آرامش و یانگ معادل تکاپو، مرد و گرماس و دو اژدهای متخاصم و روبروی هم در نقوش تاتو در نبرد اژدها با حیوانات دیگر، هیچ گونه‌ای بر گونه دیگر غلبه ندارد بلکه پیچش و چرخش زیبا به دور هم نشان از اتحاد دو حیوان دارد و در اصل یانگ و یین است (بهدانی و مهرپویا، ۱۳۸۹، ۱۰). اژدها «یانگ» است به عنوان علامت صاعقه، بهار و فعل و انفعالات فلکی و «یین» به عنوان سلطان مناطق بهری است (شوالیه و گربران، ۱۳۷۷، ج ۱، ۱۲۹).



تصویر ۱۰- اژدها نماد یانگ در تاتو مأخذ سایت [checkoutmyink.com](http://checkoutmyink.com)

در اساطیر چین اژدها حیوانی مقدس و بی‌آزار است. اژدها همان ابری است که در بالای سر ما راست می‌ایستد و امواج بارور کننده خود را فرو خواهد ریخت (شوالیه و گربران، ۱۳۷۷، ج ۱، ۱۲۵). اژدها در اساطیر چین منشأ نیکی است، اما در اسطوره تائوتای ترس بار و تهدید کننده است. اژدهای شاخ‌دار یا هیولای موسوم به تائوتای از دوره شانگ می‌باشد، که به کيفر خوردن گوشت انسان، تنش مسخ شد. در آثار عتیق چینی، نمونه‌های فراوانی از سر این هیولا ساخته شده است (کریستی، ۱۳۷۳، ۱۲).



تصویر ۱۱- اژدهای شاخدار تائوتای مأخذ (معصومی ۱۳۸۷، ۲۰۲)

در اساطیر چین هر بهار اژدهایان به آسمان می روند و هر خزان به آبهای زمینی باز می گردند (اشاره به باد های موسمی می باشد) (کریستی، ۱۳۷۳، ۹۸). اژدهایان در چین کارکردهای مختلفی دارند اژدهای بالدار، فرشته صبح، روح تمام علوم است باعث رستگاری می باشد. اژدهای زرد، جوهر قدرت و تجلی الهی و مظهر طلای زرد می باشد (رستگار فسایی، ۱۳۷۹، ۲۲). در جوامع ابتدایی شاهی که دوره معینی سلطنت کرده بود، ضمن نبردی تن به تن با شاه نو گزیده، کشته می شد و پس از برافتادن این آئین، مراسم ستیز بین پهلوانان و اژدها جای آن را گرفت (مددیپور، ۱۳۸۷، ۱۹۹). برخی عقیده داشتند که اژدها نمی میرد مگر به وسیله برادر و خواهری که همان ماه و خورشید باشند (رستگار فسایی، ۱۳۷۹، ۱۸۱). اژدها در اساطیر چین نماد شرق و از خدایانی است که دودمان شانگ بدان قربانی می داد (مددیپور، ۱۳۸۷، ۳۳۸-۳۳۷).

در فرهنگ چین حضور اژدها و سیمرغ کنایه از یک ازدواج و پیوند کامل است. اژدها اشرف مخلوقات است و توانایی زندگی کردن در دریاها، پرواز در آسمان ها و مأوا گرفتن در کوهستان ها را دارا است و حافظ افراد بی گناه از شر شیاطین است (گرگیچ و قائمی، ۱۳۹۲، ۵۰-۲۹). هر چاه و چشمه ای، اژدها و پادشاه مربوط به خود را دارد. اژدها به عنوان طرح در لباس و تاتو چینیان جلوه خاص داشته است.

### اژدها در فرهنگ عامیانه ایران

در باورهای عامه مردم، از ناخن و دندان اژدها جهت دفع چشم زخم استفاده می کردند (رستگار فسایی، ۱۳۷۹، ۳۱۰). و معتقدند اگر سر اژدها را در خانه ای دفن کنند، گنج ظاهر می شود (شاملو، ۱۳۵۷، ۳۹۹). و از نامیرایی اژدها نیز روایت است که برخی عقیده داشتند که اژدها نمی میرد مگر به وسیله برادر و خواهری که همان ماه و خورشید باشند (همان، ۱۸۱). اژدها در فرهنگ ایرانی، نقشی بنیادین و اثرگذار دارد. در نزدیکی شهر دهلران در استان ایلام چشمه قیری وجود دارد که بر پایه گفته های مردم محلی، این چشمه، خون اژدهایی بوده که در جنگ با اسفندیار به هلاکت رسیده است. و روایت دیگری می گوید در نزدیکی شهر قروه چشمه آب معدنی سرخ رنگ در کنار صخره های اژدها شکل، به نام بابا گورگور وجود دارد، این چشمه خون اژدها است. در معبد داش کسن در نزدیکی روستای ویر کننده کاری منحصر به فردی است، که دو تصویر اژدها در روبروی یکدیگر، با طول بیش از ۵ متر، به شکل قرینه در دل کوه کنده شده. اژدها با جهت گیری خود به درون نیایشگاه، گویی خوش آمدگوی تازه واردان است. در برخی متون نیز به اژدها کشی علی (ع) اشاره شده با این مضمون که اژدهایی که در روستای هنگو در کرمان می زیسته و به دست حضرت علی (ع) سنگ شده است. (رستگار فسایی، ۱۳۷۹، ۲۷۷)

### اژدها در فرهنگ عامیانه چین

در باورهای عامیانه چینی، مردم خود را از نسل اژدها می دانند. فرد متولد سال اژدها با اراده، آتشی مزاج، قوی و موفق هستند و رقص اژدها برای باریدن باران، خوش شانسی و نیک اقبالی انجام می شود. در داستانهای عامیانه گفته می شود که وزیر شاعری بود که خود را غرق کرد و مردم دلمه های بزرگ در آب می ریختند تا دل خدای رودخانه را به دست بیاورند و او نگذارد ماهی ها جسد او را تکه تکه کنند. «گانگ» نوعی ساز ضربی است که نقش اژدها آن جهت دور کردن ارواح خبیثه به کار می رود. هر چاه و چشمه ای، اژدها و پادشاه مربوط به خود را دارد. در شمال چین، در معابد مجسمه ای از اژدها وجود دارد که جهت

بارش باران به آن متوسل می‌شوند. روز اول سال نو مردم با پوشیدن لباس‌هایی که نقش اژدها دارد ارواح شیطانی را از خود دور می‌کنند (نایب زاده، سامانیان، ۱۳۹۴، ۲۶۹-۲۳۵). در افسانه‌های چینی اژدها خود را به شکل دیگری در می‌آورد. «شوچین» اژدها کش خواست تا اژدها تباه‌کار را از بین ببرد اما اژدها از این تصمیم او آگاه شد و خود را به شکل گاو نر زردی در آورد و پهلوان نیز خود را به شکل گاو سیاه در آورد و دنبال او رفته و گاو زرد به داخل چاهی می‌رود و به شکل آدم در آمده و در تنگنای گرفت و گریز خود را به شکل دریاچه‌ای در می‌آورد و قول می‌دهد کار زینبار نکند (رستگار فسایی، ۱۳۷۹، ۱۳۴). بعضی اژدهایان به امپراتوران چین خدمت می‌کردند و آنان را به اطراف نواحی فرمانروایشان حمل می‌کردند (همان، ۱۶۲). از نظر مردم چین اژدها گوهرهای شب چراغ و جواهرات را دوست دارد و حافظ آنهاست. او اشرف مخلوقات است و توانایی زندگی کردن در دریاها، پرواز در آسمان‌ها و مأوا گرفتن در کوهستان‌ها را دارا است و حافظ افراد بی‌گناه از شر شیاطین است (گرگیچ و قائمی، ۱۳۹۲، ۵۰-۲۹).

رقص اژدها، نمایشی از اژدهایانی است با رنگ متناسب، برای بدست آوردن باران، این نعمت الهی و در نتیجه اژدها علامت بخت و اقبال نیز است (همان، ۱۲۷-۱۲۸). روز اول سال نو مردم با پوشیدن لباس‌هایی که نقش اژدها دارد ارواح شیطانی را از خود دور می‌کنند (گرگیچ و قائمی، ۱۳۹۲، ۵۰-۲۹).



تصویر ۱۲- مراسم رقص اژدها در چین - مأخذ سایت saabclub.me

### نظریه‌های روانشناسی در مورد حضور اژدها

شاید اژدها زاییده‌ی هراس ما از نیروهای ناشناخته‌ای باشد. برخی اژدها را از جنبه روانی بررسی می‌کنند و آن را جلوه‌ای از آرزوهای برآورده نشده و دست نیافتنی می‌دانند (ارشاد، ۱۳۸۲، ۳۷۱). در مکتب روانکاوی یونگ نیز اژدها نماد گرایش‌های منفی روان انسان است (یونگ، ۱۳۷۷، ۱۷۵ - ۱۷۶). اژدها نمود گارایماگو، مادرمنفی، است و از این رو، بیانگر مقاومت در برابر زنا با محارم یا ترس از آنها است (وارنر، ۱۳۸۶، ۵۱۳).

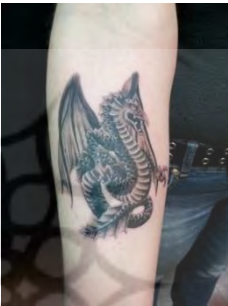







تصویر ۱۳- مأخذ سایت www.pinterest.com

<sup>۱</sup>- Hsu-chen-chun

یونگ درباره اژدها کشی چنین می گوید: اسطوره اژدها کشی تعبیری است رمزی از جریان بفرنج تکوین شخصیت آدمی که ضمن آن، جان آگاه در طلب کمال و آزادی و فردیت و برای رسیدن به غایت شناخت و معرفت خویشتن، ناچار است که با اژدهای نفس که به عنوان نمادی از محتوای روان ناآگاه بازدارنده و پرآوازه است، روبه رو شود و بستیزد (سرکاراتی، ۱۳۵۷، ۱۴۵). نبرد با اژدها یعنی غلبه انسان بر نفس اماره و سلطه بر نفس. رویارویی پهلوان و اژدها می تواند تعبیری از تقابل و رویارویی هزاران واقعیت متضاد و دوگانه زندگی و گیتی در ذهن آدمی باشد؛ تقابل روشنی و تاریکی، جوانی و پیری، داد و بیداد، آزادی و بندگی، زندگی و مرگ (همان، ۱۳۷).

## جدول تطبیقی نقش اژدها در تانوی ایران و چین

ایران	تصویر	چین	تصویر
نماد اژدها در فرهنگ ایران و چین	<p>اژدها نماد: قهرمان، ویرانگری، پلیدی و ناپاکی، ددمنشی و دیو خوبی، نفس اماره، خسوف و کسوف، بلا، خشک سالی، شر و نماد شیطان و مرگ است</p> 	<p>اژدها نماد: شجاعت، قهرمانی و اصالت و الوهیت، قدرت آسمانی، زمینی، خردمندی و استقامت، مسالمت جو، بخشنده آب و باران، خیر خواهی، خاندان امپراطوری، نقش پرچم و مظهر طلای زرد و نماد شرق است.</p>  <p>تصویر ۱۴ - مأخذ سایت <a href="http://www.pinterest.com">www.pinterest.com</a></p>	
ریخت شناسی اژدها	<p>بدن مار، آرواره خفاش، دندان کروشیدیل و شاخ حیوانات ستیزنده بر فرق سرش برجستگی به سان تاج خروس است پنجه هایی مانند شیر، شاخی شبیه به شاخ گوزن، چشمانی مانند چشم میگو و پوستی نظیر پوست ماهی، سرش چون سر شتر</p> 	<p>اژدها شاخی شبیه گوزن، دم در انتهای بدن مانند برگ است، تعداد چنگالها مانند شاهین است و کم و زیاد می شود، رنگهای بسیار شاد مانند زرد صورتی و آبی دارد، فلسه های بدنش مانند مار، ماهی، تمساح، پولک دارد و بال ندارد.</p> 	
تصویر اژدها در ادوار تاریخی	<p>دوره ساسانی: ترکیب اژدها با طاووس با پوزه کشیده و دندان نمایان دوره ایلخانی: دو بال عقاب، پنجه شیر، دم مار، بدن پوشیده از فلس صفویه: مفاهیم ایرانی وارد نقش اژدها می شود.</p>  <p>تصویر ۱۵ - دوره ایلخانی مأخذ سایت <a href="http://www.pinterest.com">www.pinterest.com</a></p>	<p>اژدهای شاخ دار موسوم به «تائوتای» از دوره «شانگ» می باشد و از خدایانی بوده که دودمان «شانگ» بدان قربانی می داد. دوره سونگ و یوان: رنگ اژدها زرد است. دوره مینگ و اوایل چینگ اژدهای پنج چنگال نشان امپراطور است.</p>  <p>تصویر ۱۶ - مأخذ سایت <a href="http://www.dreamstime.com">www.dreamstime.com</a></p>	

	<p>نه اژدها، بخشی از یک اثر هنری مربوط به سال ۱۲۴۴ میلادی، اثری از «چن رونگ»، سلسله سونگ، موزه هنرهای زیبای بوستون</p>	 <p>تصویر ۱۷- (ناومان، ۱۳۸۲، ۹۷)</p>	<p>کاشی لاجوردی متعلق به اتاق هشت گوش شمالی (طرح بازسازی)</p>	<p>اژدها در معماری</p>
 <p>تصویر ۱۹- مآخذ سایت <a href="http://www.pinterest.com">www.pinterest.com</a></p>	<p>نقش اژدها بر روی دیوار پارک «بی های» در پکن، چین</p>	 <p>تصویر ۱۸- مآخذ سایت <a href="http://www.skyscrapercity.com">www.skyscrapercity.com</a></p>	<p>نقش اژدها در «معبد داش کسن»<sup>۱</sup> زنجان مربوط به دوره ایلخانی</p>	

### نتیجه گیری

اساطیر بنیان نظام کیهانی هستند و با بررسی اسطوره اژدها در تاتو ایران و چین به اشتراکات و افتراق فروان در مورد منشأ پیدایش این جانور و قدمت ماورائی آن در جوامع کهن و امروزه پی می بریم، موجودی مشابه در دو فرهنگ و دارای بار معانی متفاوت که گاهی منبع شر و گاهی منبع خیر می باشد. اژدها در فرهنگ ایران نشانه منفی است، در مقابل، اژدهای چینی نماد مثبتی چون باران، برکت، امپراطور می باشد. اما با واکاوی فرهنگ مردم ایران می توان نشانه ای از چهره مثبت این جانور را هم شناخت، کاربرد فروان نقوش این حیوان در تاتو، معماری، نقوش سفالینه، فرش و انواع بسیار متنوع دیگر آن نشان از این حکایت دارد. اگر بپذیریم که اژدها کوه آتشفشان است، هر چند اژدها بخش خشن و ویرانگر کوه می باشد ولی باید بپذیریم در دامن پدیده ی مثبت اتفاق می افتد کوه در فرهنگ ایران باستان مثبت است پس جایگاه مثبت باید نتیجه مثبت داشته باشد یعنی کوه، آتشفشان هم دارد و الماس که سنگ قیمتی است از بقایای همان آتشفشان و از سرد شدن آن حاصل می شود و دلیل نگرهبان بودن اژدها برای گنجها همان چیزی است که از درون همان کوه خارج می گردد. اسطوره همیشه به صورت حکایت و روایت نیست بلکه می تواند به صورت تصویری و نگارین درآید که این بیان تصویری بیانی نمادین است. تصاویر اساطیری در تاتو، لباسها، درفشها، اشیاء، آیینها و ادبیات و هنر متبلور شده است. تاتو که به طور مستقل در نقاط پراکنده دنیا با اشکال گوناگون به وجود آمده و کارکرد آن در جوامع مختلف متفاوت بوده است و گاهی نقش اژدها نیز به عنوان توتم قبیله ای جزو این اشکال مورد استفاده قرار گرفته است. به طور کلی بررسی نمادهای مختلف حیوانی و گیاهی و تطبیق با فرهنگ دینی و بازتاب آن در اشعار آیینی و هنر نقاشی بر بدن یا تاتو و یا موضوع اژدها در فرهنگ ایران و تطبیق آن با لاماسو آشور می تواند بستر مناسبی برای پژوهش های آتی باشد.

### منابع

- ۱- ارشاد، محمدرضا. (۱۳۸۲). *گستره اسطوره (مجموعه گفت و گو)*. تهران: هرمس.
- ۲- الیاده، میرچا. (۱۳۷۴). *اسطوره، رویا، راز*. تهران: فکر روز.
- ۳- *ائوگمائیچا*. (۱۳۴۲). ترجمه دکتر رحیم عقیقی. مشهد.
- ۴- برو سمیت فورد، میراندا. (۱۳۸۸). *فرهنگ مصور نمادها و نشانه ها در جهان*. ترجمه ابوالقاسم دادور. تهران: کلههر.

۱ - معبد داش کسن بنایی صخره ای است که در حاشیه روستای ویر در حدود ۱۵ کیلومتری جنوب شرقی شهر تاریخی سلطانیه (زنجان) واقع شده است.

- ۵- بینا. (۱۳۸۹). «اساطیر و افسانه». ۱۴ دی ماه ۱۳۸۹ بر گرفته از سایت شگفتی ها. <<http://www.shegeftiha.com>>
- ۶- بهار، مهرداد. (۱۳۸۴). پژوهشی در اساطیر ایران (پاره نخست و دوم). تهران: آگاه.
- ۷- بهدانی، مجید و مهرپویا، حسین. (۱۳۸۹). «گذری بر جدال ازدها در هنر ایران». جلوه هنر. پاییز و زمستان ۸۹، شماره ۴، ۵-۱۲.
- ۸- بهزادی، رقیه. (۱۳۶۸). «تاتو از دیر باز تا کنون». چیستا. شماره ۶۲. ۱۹۶-۱۸۰.
- ۹- پورداود، ابراهیم. (۱۳۷۷). یشت‌ها، جلد اول و دوم. تهران: اساطیر.
- ۱۰- حسینی، سمیه. (۱۳۸۵). «جانوران در شاهنامه در مقایسه با اسطوره های اوستا». پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و زبان فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- ۱۱- خزایی، محمد و فربود، فریناز. (۱۳۸۲). «بررسی تصویر نماد سیمرغ». هنر معماری - هنر تجسمی. زمستان ۸۲. شماره ۲۰. ۴-۱۴.
- ۱۲- خسروی، پروین. (۱۳۹۴). اطلاعاتی طراحی دائم. خرم آباد: قلم اعظم.
- ۱۳- دانشنامه فرهنگ مردم ایران. (۱۳۹۳). (جلد ۳). تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- ۱۴- دلاوری، مونا. (۱۳۹۰). «بررسی مفاهیم و نقوش وشم ها روی بدن از دیرباز تا کنون در منطقه خوزستان». پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه نقاشی دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی.
- ۱۵- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا. تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۶- ذکری، امیر حسین. (۱۳۷۷). اسرار اساطیر هند. تهران: فکر روز.
- ۱۷- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۷۹). ازدها در اساطیر ایران. تهران: نشر توس.
- ۱۸- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۳). پیکرگردانی در اساطیر. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۹- سبزی، فرانک. (۱۳۸۹). «شناخت فرهنگ وشم بین کولیان واقع در خیابان بوعلی شهر کوهدهشت». پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی دانشگاه آزاد تهران مرکزی.
- ۲۰- سرکاراتی، بهمن. (۱۳۵۷). پهلوان اژدرکش در اساطیر و حماسه ایران (شاهنامه فردوسی و شکوه پهلوانی). مجموعه سخنرانی های سومین جشن طوس. ویراستار محمد بن موسی دمیری. تهران: سروش.
- ۲۱- شاملو، احمد. (۱۳۵۷). کتاب کوچی. تهران: مازیار.
- ۲۲- شوالیه، ژان و گریبان، آلن. (۱۳۷۷). فرهنگ نماد ها. (ج. ۱). ترجمه سودابه فضایی. تهران: جیحون.
- ۲۳- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۲). فرهنگ نمادها، فرهنگ نماد ها. (ج. ۳). ترجمه سودابه فضایی. تهران: جیحون.
- ۲۴- طاهری، غلامرضا. (۱۳۸۸). «سیر تحول و طبقه بندی ازدها در نگارگری ایرانی». دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات هنر اسلامی. تابستان ۸۸. شماره دهم. ۲۲-۷.
- ۲۵- فاتحی قهفرخی، مهدی. (۱۳۸۷). «بررسی سیر تحلیلی نقوش وشم در ایران». پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد تهران مرکز.
- ۲۶- فانی، کامران و سادات، محمد علی. (۱۳۹۲). دانشنامه دانش گستر. تهران: دانش گستر روز.
- ۲۷- فخاریان، پژمان. (۱۳۸۲). «ازدها و آنهاید». پژوهش های ایرانشناسی. شماره ۱. سال ۸۲.
- ۲۸- فیتس جرال، چالزپاتریک. (۱۳۸۴). تاریخ فرهنگ چین. ترجمه اسماعیل دولتشاهی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۹- قمری گیوی، حسین. (۱۳۸۲). عشق و نفرت درخالکوبی. اردبیل: نشر نیک آموز.
- ۳۰- کریستی، آنتونی. (۱۳۷۳). اساطیر چین. ترجمه باجلان فرخی. تهران: نشر گلشن.
- ۳۱- کویاجی، جی سی. (۱۳۷۸). ماندگی اسطوره های ایران و چین. ترجمه کوشیار کریمی طاری. تهران: نشر نواندیش.
- ۳۲- گرگیچ، جلال الدین و قائمی، فرزاد. (۱۳۹۲). «بررسی پیوند میان جنبه های انسانی و فراطبیعی ازدهای «گندرو» بر مبنای ارتباط این ازدها با اسطوره آب». جستارهای ادبی. تابستان ۹۲. شماره ۱۸۱. ۵۰-۲۹.
- ۳۳- گرن، گئو ویدن. (۱۳۷۷). دین های ایرانی. ترجمه منوچهر فرهنگ. تهران: نشر آگاهان ایده.
- ۳۴- مددپور، محمد. (۱۳۸۷). آشنایی با آرای متفکران درباره هنر. (ج. ۱). تهران: تبلیغات اسلامی حوزه هنری سوره مهر.

- ۳۵- مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۹۰). *مروج الذهب و معادن الجواهر*. (ج. ۱). ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۳۶- محمودزاده، عظیم. (۱۳۸۵). «ریشه های سوزنی در دزفول، مکتوب». تارنمای شخصی (آخرین بازنگری ۳۱ تیر ۱۳۹۶) < <http://dezhpol-news.blogfa.com/post-436.aspx> >
- ۳۷- معصومی، غلامرضا. (۱۳۸۷). *مقدمه‌ای بر اساطیر و آیین های باستان جهان*. تهران: سوره مهر.
- ۳۸- ناومان، رودلف، (۱۳۸۲)، *ویرانه های تخت سلیمان و زندان سلیمان*، مترجم فرامرز نجد سمیعی، نوبت چاپ دوم، ناشر سازمان میراث فرهنگی، تهران
- ۳۹- نایب زاده، راضیه و سامانیان، صمد. (۱۳۹۴). «اژدها در اسطوره‌ها و فرهنگ ایران و چین». *فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی*. سال ۱۱، شماره ۳۸. بهار ۹۴. ۲۶۹-۲۳۵.
- ۴۰- وارنر، رکس. (۱۳۸۶). *دانشنامه اساطیر*. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: اسطوره.
- ۴۱- همایون. (۱۳۸۸). «شیر و اژدهای ایوان تخت مرم، کاخ گلستان دوران قاجار». (۳۰ دی ماه ۱۳۸۸) < <https://qajar.wordpress.com/2010/01/20/shir-o-ejdeha> >
- ۴۳- هنیلز، جان. (۱۳۸۹). *شناخت اساطیر ایران*. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. تهران: نشر چشمه.
- ۴۴- یونگ، کارل گوستاو و همکاران. (۱۳۷۷). *جهان اسطوره شناسی*. ترجمه جلال ستاری. تهران: نشر مرکز.
- 45- [https://baklol.com/baks/Misc/Amazing-dragon-tattoos-\\_379](https://baklol.com/baks/Misc/Amazing-dragon-tattoos-_379)
- 46- <http://guiaavare.com/noticia/9096/tatuagem-nas-costas>
- 47- <http://saabclub.me/stylish-chinese-dragon-dance.html/china-dragon-dance-aliexpress-buy-china-dragon-dance-10m-5joint-within-stylish-chinese-dragon-dance>
- 48- <http://www.checkoutmyink.com/tattoos/aladino/yin-yan>
- 49- <https://www.dreamstime.com/stock-photos-chinese-ancient-dragon-statue-image7067273#>
- 50- <https://www.pinterest.com/aymanbadr/star-cross-tile/>
- 51- <https://www.pinterest.com/bebetaylor62/tattoo/>
- 52- <https://www.pinterest.com/chile86/misc/>
- 53- [https://www.pinterest.com/mione\\_lrb/excaliburcoroa/](https://www.pinterest.com/mione_lrb/excaliburcoroa/)
- 54- <https://www.pinterest.com/pin/18225573467490469>
- 55- <https://www.pinterest.com/pin/414120128206430083>
- 56- <https://www.pinterest.com/pin/457467274630064751>
- 57- <https://www.pinterest.com/pin/576320083536580316/>
- 58- <https://www.pinterest.com/quinqui/tatuajes/>
- 59- <http://www.skyscrapercity.com/showthread.php?t=237059>

